

بسم الله الرحمن الرحيم

مصادیق حجر و تاثیر آن بر انحلال نکاح

زهرا رجبی^۱

چکیده

در اسلام حجر اسباب خاصی دارد از جمله صغر، رق، مرض، فلس، سفه است. اما در نظام حقوقی ایران صغار مجانین و افراد غیر رشید را محجور دانسته و برحسب مواردی این افراد از همه یا بعضی از اعمال حقوقی منع شده اند و حجر یکی از انواعی است که باعث انحلال نکاح میشود.

انحلال نکاح یا به صورت انفساخ است یا به صورت طلاق پس در صغر هیچ یک از ولی و حاکم و وصی نمیتوانند به طلاق حکم کنند در سفه چون از تصرفات غیر مالی ممنوع نیست طلاق صحیح است و در فلس حق طلاق دارد در جنون چون از عیوب مشترک است حق فسخ قرار داده شده است در مرتد نیز حق فسخ گذاشته شده است.

واژگان کلیدی

حجر، جنون، صغر، سفه، نکاح، طلاق، فسخ

^۱ طلبه سطح سه فقه و اصول، مرکز تخصصی امام حسن مجتبی (علیه السلام)، استاد راهنما، سرکار خانم خلیلی

مقدمه

یکی از ابواب فقهی که فقهای امامیه به تفصیل به آن پرداخته اند . باب حجر است . فقها حجر را در لغت منع و محجور را فرد ممنوع از تصرف در اموال دانسته اند . حال ممنوعیت در تمام مال باشد مثل صغیر یا در بعض مال باشد مثل مرض متصل به موت .

فقها اسباب حجر را صغر، جنون، رق، مرض، فلس، سفه را بیان کرده اند و از سوی دیگر فقها طلاق، فسخ و انفساخ نکاح در اثر فوت یا ارتداد یکی از طرفین موجب انحلال نکاح می‌شناسند و حجر یکی از زوجین در انحلال نکاح موثر واقع می‌شود

فقها در خصوص جنون یکی از زوجین و تاثیر آن در فسخ نکاح به تفصیل بیان کرده اند . اما از رابطه و تاثیر اقسام حجر و طلاق ذکری به میان نیاورده اند .

در این نوشتار هریک از اسباب حجر و تاثیر آن در انحلال نکاح از منظر فقه امامیه بررسی می‌شود . باتوجه به فقدان موضوعیت رق در عصر حاضر، و نیز با عنایت به این که به اجماع فقهای امامیه، حجر مریض در مرض متصل به موت، در وصیت مازاد بر ثلث است و در این خصوص بحث خاصی متصور نمی‌باشد . از پرداختن به این دو سبب حجر صرف نظر می‌شود.

مفهوم حجر

حجر در لغت به معنای بازداشتن^۱، منع کردن^۲ و احاطه بر شی است^۳ و در اصطلاح از نظر فقها منع کردن کسی از تصرف در مال خود است^۴.

مفهوم انحلال

انحلال از مصدر باب انفعال از فعل حل است و در لغت به معنای رفع عقد و رفع ممنوعیه^۵ بیان شده است. انحلال را به معنای جدا شدن؛ باز شدن؛ گشوده شدن گره و متلاشی شدن آورده اند و هم چنین به معنای نقض شدن و تفکیک شدن نیز آمده است^۶.

در اصطلاح فقها هر گاه عقدی که به طور صحیح منعقد شده بر اثر عارضه یا امری زایل شود، به این زوال عقد انحلال می گویند. از آنجا که انحلال یکی از آثار و عوارض عقد صحیح است، لذا تمایز آن با بطلان روشن است.^۸ انحلال شامل فسخ و طلاق میشود.

^۱ علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۱، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵، ص ۱۰۰۸

^۲ محمد معین، فرهنگ فارسی معین، ج ۱، چاپ اول، تهران، انتشارات بهزاد، ۱۳۸۲، ص ۹۴۴

^۳ ابوالحسن احمد بن فارس، ترتیب المقایس لغت قم، انتشارات حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷، ص ۲۱۰

^۴ محمد بن حسن، طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۲، بی جا، بی تا، ص ۲۸۱؛ حسن بن یوسف، حلی؛ تحریر الاحکام شرعیه علی مذهب الامامیه، ج ۱، چاپ اول، مشهد، نشر موسسه ال البيت، بی تا، ص ۲۱۸

^۵ حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، تهران، انتشارات سروش، ص ۲۹۴

^۶ علی اکبر دهخدا همان؛ عبد الرحیم بن عبد الکریم صفی پور، منتهی الارب فی لغت العرب، ج ۱، انتشارات کتابخانه سنایی، ص ۲۷۱

^۷ محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۳۶۳، ص ۱۶۹؛ لویس معلوف، المنجد، ج ۲، چاپ اول، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۲، ص ۱۴۶؛ سعید الخوری الشرتونی اللبنانی، اقرب الموارد فی فصیح العربیه ج ۱، ص ۲۲۵

^۸ میرفتاح بن علی حسینی مراغی، عناوین الاموال، تبریز، بی نا، ۱۲۷۴، ص ۱۸۳ (چاپ سنگی)

فسخ در لغت به معنای باز کردن و شکستن است^۱ و در شرع به معنای رفع عقد به همان وصف و کیفیتی که بوده، بدون زیاده و نقصان آمده است^۲

طلاق در لغت به معنای گشودن گره و رها کردن آورده؛ ولی در اصطلاح ازاله قید نکاح با صیغه مخصوص و شهید ثانی میفرماید ازاله قید نکاح به غیر عوض با صیغه طالق^۳

اسباب حجر

اسبابی که سبب حجر میشود شامل: صغر، رق، مرض، فلس و سفه است.^۴

۱- صغر

یکی از اسباب حجر صغر است، صاحب جواهر در تعریف صغیر می‌فرماید صغیر محجور است چرا که دو صفت بلوغ و رشد حاصل نشده است^۵ و دلیل آن قول خداوند است که می‌فرماید:

"وَ ابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النُّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ؛ يَتِيمَانِ رَا بِيَا زَمَانِيْدَا تَا هِنْكَامِيْ كِه بِه حَد بَلُوْغ بَر سَنَد دَر اِيْن مَوْقِع اِگَر دَر اَن هَا ر شَد كَافِي يَافْتِيْد اَمَوَالْشَان رَا بِه اَن هَا بَدِهِيْد."

و برای بلوغ نشانه‌هایی برای مرد و زن بیان کرده اند از جمله رویش موی خشن بر عانه، خروج منی با جماع یا احتلام یا غیر این دو و سن که در مرد پانزده سال تمام و برای زن نه سال تمام است و صغیر نمی تواند در اموالش با بیع، صلح، هبه، قرض، اجاره و موارد دیگر تصرف کند مگر آن

^۱ فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷، ذیل فسخ

^۲ ابی عبدالرحمن بن احمد فراهیدی، العین، ج ۴، چاپ اول، قم، موسسه دارالهجره، ۱۴۰۵، ص ۲۰۲

^۳ زین الدین بن علی، عاملی جبعی (شهید ثانی)، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة، ج ۵، قم، انتشارات علمیه، بی تا، ص ۳۵۲؛ محمدحسن، نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۲، چاپ اول، قم، انتشارات موسسه معارف اسلامی، ۱۴۲۱، ص ۲

^۴ زین الدین بن علی، عاملی جبعی (شهید ثانی)، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، ج ۴، بی جا، نشر موسسه معارف اسلامی، بی تا، ص ۱۴۰

^۵ محمدحسن، نجفی، همان، ج ۲۶، ص ۴

^۶ نسا(۴)/۶

چه استثنا شده است مثل وصیت^۱ و همچنین منعی از تصرفات افزایش دهنده دارایی وی همچون نجیر، حیات مباحات و احیای اموات نیست.^۲

بنابراین فقها هنگام بحث در شرایط طلاق بلوغ را شرط دانسته اند، با این وجود میان ایشان در خصوص طلاق ممیز اختلاف است، برخی طلاق صغیر را هر چند ممیز بوده به سن ده سال رسیده باشد باطل دانسته اند،^۳ برخی دیگر طلاق ممیزی که به ده سال رسیده را صحیح تلقی کرده اند.^۴ فقهای امامیه همچنین به صراحت به عدم اختیار ولی قهری، وصی و حاکم به طلاق زوجه مولی علیه صغیر حکم نموده اند.^۵

۲- سفه

یکی دیگر از موارد حجر سفه است، فقها سفه را سبکی عقل و نقصان آن و عدم کمال آن نسبت به عموم مردم در مسایل اقتصادی و اجتماعی تعریف می کنند، یعنی عقل سفیه در امور اقتصادی و مسایل مربوط به معاملات و معاش و برخورد با دیگران دچار کاستی و نقصان است، چنان که عرف این معنی را تایید نموده و لغویون و مفسران نیز به این مساله به روشنی اشاره کرده اند.^۶ فقها به حجر سفیه که شامل تصرفاتی که جنبه مالی ندارند از جمله طلاق، حق استیفای قصاص و اقرار در مورد حقوق غیرمالی مانند حدود و قصاص حکم داده اند،^۷ که در اینجا به مبحث طلاق و نکاح سفه می پردازد.

^۱ روح الله، موسوی خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، نجف اشرف، انتشارات مطبعه اداب، ۱۳۹۰، ص ۱۳-۱۲

^۲ ابوالقاسم، خویی، مصباح الفقاهه، ج ۳، قم، انتشارات مکتبه الداوری، ۱۳۷۷، ص ۲۶۴

^۳ روح الله، موسوی خمینی، همان، ج ۲، ص ۳۲۵

^۴ علی پناه، اشتهاردی، فتاوی ابن الجنید، ج ۱، بی جا، انتشارات نشر اسلامی، بی تا، ص ۲۶۹

^۵ روح الله، موسوی خمینی، همان، ج ۲، ص ۳۲۵

^۶ احمد، نراقی، عواید الایام، ج ۱، قم، انتشارات مکتبه بصیرت، ۱۴۰۸، ص ۱۸۰

^۷ نجم الدین جعفر بن حسن، حلی (محقق حلی)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، ج ۲، چاپ دوم، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۰۸، ص ۸۶

۶- رقیق

اصطلاح رقیق در فقه در مورد انسان‌هایی به کار می‌رود که چون در ملکیت دیگران هستند، تصرفات آن‌ها بدون اجازه مولا نافذ نیست و از آن جا که الان موضوع این حکم یعنی بردگی انسان‌ها از منظر اسلام از بین رفته است، به بحث در این رابطه نیازی نیست و بیان این مورد در عبارات فقها ناظر به اصل حکم در زمان وجود موضوع است و طبعاً زمانی که موضوع این احکام وجود خارجی نداشته باشد، حکم منتفی خواهد بود.

۷- ارتداد

اگر زن و شوهر یا یکی از آن دو مرتد شوند در صورتی که ارتداد پیش از دخول باشد عقد نکاح باطل می‌شود و اگر پس از دخول باشد، در مرتد فطری حکم پیش از دخول جاری است،^۱ ازدواج مرد مرتد با زن مسلمان و عکس آن پیش از توبه جایز نیست. در جواز ازدواج مرتد با غیر مسلمان (اهل کتاب) اختلاف است. ازدواج برای مرتد ملی و نیز فطری بنا بر قول به قبول توبه او پس از توبه جایز است.^۲

اگر زن قبل از دخول مرتد شود استحقاق مهر ندارد و اگر شوهر پیش از آن مرتد گردد در این که زن مستحق همه مهر یا نصف آن است اختلاف می‌باشد در ارتداد پس از دخول مهر ثابت است.^۳

^۱ محمد حسن، نجفی، همان، ج ۳۰، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۹۸۱م، ص ۴۷

^۲ محمد کاظم، طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، بی‌جا، تحقیق مؤسسه نشر اسلامی، بی تا

^۳ محمد حسن، نجفی، همان، ج ۳۰، ص ۴۸

نتیجه

در نظام حقوقی از میان اسباب حجر، صرفاً جنون به نحو مستقیم در انحلال نکاح موثر واقع می شود. همچنین به ولی قهری و قیم اجازه داده شده به طلاق زوجه فرد مجنون اقدام کند. و در صغیر ولی قهری و قیم مجاز به طلاق نبوده و از حیطة اختیارات ایشان خارج است؛ ضمن آن که با وجود ترتب آثار مالی بر طلاق یا فسخ نکاح از سوی شخص غیر رشید چنین اقدامی پذیرفته شده است.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.

۲. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، چاپ اول، تهران، انتشارات بهزاد، ۱۳۸۲.

منابع عربی

۳. ابن فارس، ابوالحسین احمد، ترتیب المقاییس لغت قم، انتشارات حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.

۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۳۶۳.

۵. اشتهاودی، علی پناه، فتاوی ابن الجنید، بی جا، انتشارات نشر اسلامی، بی تا.

۶. صفهانی، بهاءالدین، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، قم، انتشارات نشر اسلامی، بی تا.

۷. حسینی مراغی، میرفتاح بن علی، عناوین الاموال، تبریز، بی تا، ۱۲۷۴.

۸. حلی، حسن بن یوسف (علامه حلی)، تدرکه الفقها، بیروت، انتشارات ال البيت، ۱۴۱۴.

۹. _____، تحریر الاحکام شرعیه علی مذهب الامامیه، چاپ اول،

مشهد، نشر موسسه ال البيت، بی تا.

۱۰. حلی، نجم الدین جعفر بن حسن، (محقق حلی)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام،

چاپ دوم، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۰۸.

۱۱. خویی، ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، قم، انتشارات مکتبه الداوری، ۱۳۷۷.

۱۲. صفی پور، عبد الرحیم بن عبد الکریم، منتهی الارب فی لغت العرب انتشارات کتابخانه سنایی.

۱۳. طباطبایی حکیم، محسن، مستمسک العروه الوثقی، بیروت، انتشارات دارالاحیاء التراث

العربی، ۱۳۹۱.

۱۴. طباطبائی یزدی، محمد کاظم، عروه الوثقی، بی جا، تحقیق مؤسسه نشر اسلامی، بی تا.
۱۵. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، بی جا، بی تا.
۱۷. عاملی جبعی، زین الدین بن علی، (شهید ثانی)، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، قم، انتشارات علمیه، بی تا.
۱۸. عاملی جبعی، زین الدین بن علی، (شهید ثانی)، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، بی جا، نشر مؤسسه معارف اسلامی، بی تا.
۱۹. _____، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، چاپ اول، قم، انتشارات تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۲ ق.
۲۰. فراهیدی، ابی عبدالرحمن بن احمد، العین، چاپ اول، قم، مؤسسه دارالهجره، ۱۴۰۵ ق.
۲۱. کرکی، علی بن عبدالعالی، (محقق کرکی)، جامع المقاصد، بی جا، بی تا.
۲۲. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، انتشارات سروش.
۲۳. معلوف، لويس، المنجد، چاپ اول، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۲.
۲۴. موسوی خمینی، روح الله، تحریرالوسیله، نجف اشرف، انتشارات مطبعه اداب، ۱۳۹۰.
۲۵. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۹۸۱ م.
۲۶. _____، چاپ اول، قم، انتشارات مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۲۱.
۲۷. نراقی، احمد، عواید الایام، قم، انتشارات مکتبه بصیرت، ۱۴۰۸.

منابع افزاری

۲۸. جامع فقه اهل بیت
۲۹. جامع تفاسیر نور

سایت‌ها

www.ensani.ir

۳۰. سایت انسانی

www.libeshia.ir

۳۱. سایت کتابخانه

www.normags.ir

۳۲. سایت نورمگز

www.noorlib.ir

۳۳. سایت نورلایب